

بسم الله الرحمن الرحيم

نکات کلیدی و تفسیری جزء هشتم قرآن کریم



گر طالب هدایتی از اکثریت
پیروی نکن

وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ
يُضِلُّوكُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ
يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّهُمْ إِلَّا
يَخْرُصُونَ (۱۱۶- انعام)

در این آیه خداوند به پیامبرش
به عنوان مخاطب خاص و به
همه مردم به عنوان مخاطب

عام هشدار می دهد که اگر به دنبال اکثریت بیفتند از مسیر هدایت و بندگی خدا خارج شده و گمراه می شوند. آنگاه علت را هم
اینگونه بیان می کند که اکثر مردم بر اساس علم و حقیقت عمل نکرده و سخن نمی گویند ملاک کار بیشتر مردم بر حدس و گمان
استوار است در حالی که یافتن جاده سعادت و حرکت در آن نیاز به علم حقیقی دارد که آن در مکتب وحی و عقل سلیم (عقل و
نقل) یافت می شود و بس. (۱۰)

از ترس نداری، فرزندان خود را سقط نکنید!

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ (۱۵۱- انعام)

پیام آیه روشن است خداوند متعال در این آیه کسانی را که از ترس فقر و نداری به فکر کشتن فرزندان خود می افتند را مخاطب
قرار داده و آنها را از این کار نهی کرده است و چون هر انحراف عملی ریشه در انحراف فکری دارد از این رو سخنی گفته تا
اندیشه آنها را اصلاح کند. فرموده است: شما که نگران رزق و روزیتان هستید بدانید که رزق تمام مخلوقات به دست ماست. ما
هستیم که شما و فرزندان را روزی می دهیم پس دیگر نگران چه هستید؟

شاید به ذهن بیاید که این آیه امروز، مخاطبی ندارد؛ زیرا در دنیای علم و تمدن بشری دیگر کسی پیدا نمی شود که بخواهد فرزند
خود را آن هم برای نان و آبی به قتل برساند؛ اما این سخن با واقعیت جامعه در تضاد است و هشدار قرآن همچنان مخاطبان
فراوانی دارد. کم نیستند کسانی که از ترس خرج و مخارج آینده تصمیم به سقط کودکان بی گناهی می گیرند (۲) که هنوز چشم به
جهان نگشوده اند، قلب کوچکشان در عشق به زندگی در حال طپیدن است. آیا این عده که متأسفانه عده شان کم هم نیست
مخاطب آیه نیستند؟

از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که حضرت مرتب می فرمود: «وَيَلِّ لِمَنْ غَلَبَتْ أَحَادُهُ أُعْشَارُهُ» (۷)؛ وای بر کسی که جمع کیفرهای تک تک او از ده تا ده تا ثوابی که به او می دهند بیشتر شود

ایمان لازم است؛ اما کافی نیست

يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ (انعام ۱۵۸)

لحظه ای که مرگ (۳) یا عذاب قطعی (۴) فرا می رسد کسی که تا کنون ایمان نیاورده در این شرایط هولناک ناگهان برگشته و ادعای ایمان می کند پیام آیه این است که چنین ایمانی که از سر اختیار نیست و از روی ناچاریست سودی به حال صاحبش ندارد و نیز اگر قبل ایمان آورده ولی تا این زمان عمل صالحی از سر نزده است چنین ایمانی هم نمی تواند دردی از او دوا کرده و مایه نجاتش از جهنم شوند.

نکته مهمی که در آیه وجود دارد این است که ایمان در روز ظهور آیات الهی (وقوع عذاب و یا موقع مرگ) وقتی مفید است که آدمی در دنیا و قبل از ظهور آیات نیز به اختیار ایمان آورده و دستورهای خداوند را عملی کرده باشد؛ ولی کسی که در دنیا ایمان نیاورده و یا اگر آورده در پرتو ایمانش خیری کسب نکرده و عمل صالحی انجام نداده و در عوض سرگرم گناهان بوده؛ چنین کسی ایمانش که ایمان اضطراری است در وقت وقوع عذاب و یا در موقع مرگ سودی به حالش نمی دهد. ۵.

بیچاره کسی که ده تایی های او بر یکی هایش بچربد

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۶۰- انعام)

این آیه به یکی از منت های خداوند که بر بندگان خود نهاده اشاره می کند و آن این است که: خداوند عمل نیک را ده برابر پاداش می دهد و عمل زشت و گناهان را جز به مثل، کیفر نمی دهد و اینکه در پایان می فرماید به کسی ظلم نمی شود معنایش این است که از پاداش عملی نمی کاهد و کیفر گناهی را بیشتر از آنچه باید نمی دهد. ۶.

در ارتباط با این آیه شریفه سخنی گهربار؛ اما تکان دهنده از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که حضرت مرتب می فرمود: «وَيَلِّ لِمَنْ غَلَبَتْ أَحَادُهُ أُعْشَارُهُ» (۷)؛ وای بر کسی که جمع کیفرهای تک تک او از ده تا ده تا ثوابی که به او می دهند بیشتر شود.

«وسوسه» یعنی دعوت کردن به کاری با صدایی آهسته و آرام؛ «موارات» هم یعنی پوشاندن چیزی با قرار دادن آن در پس پرده؛ «سوأت» هم جمع «سوأة» به معنای عضوی است که آدمی از برهنه کردن و اظهار آن شرم دارد

امتیازات اجتماعی برای آزمون و امتحان است

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ (۱۶۵- انعام)

اوست کسی که شما را در زمین، جانشینان [نسل های گذشته] قرار داد و بعضی از شما را نسبت به بعضی دیگر از جهت مادی و معنوی چند پله بالاتر برد تا شما را به آنچه عنایت فرموده، امتحان کند.

بی شک اختلافات طبقاتی که زائیده استعمار و استثمار و اشکال مختلف بردگی و ظلمهای آشکار و پنهان است را نمی توان به حساب دستگاه آفرینش گذارد و دلیلی هم ندارد که از وجود اینگونه اختلافات بی جهت دفاع کنیم. در عین حال نمی توان انکار کرد که هر قدر اصول عدالت در جامعه انسانی نیز رعایت شود باز همه انسانها از نظر استعداد و هوش و فکر و انواع ذوقها و سلیقه ها و حتی از نظر ساختمان جسمانی یکسان نخواهند بود. نکته اینجاست که قرآن می گوید این تفاوتها وسیله آزمایش شما است با آن برتریهایی که خدا به شما داده است؛ نه دستمایه ای برای فخر فروشی و تحقیر دیگران. ۸.

هدف شیطان بی آبرو کردن بشر است

فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا (۲۰- اعراف)

«وسوسه» یعنی دعوت کردن به کاری با صدایی آهسته و آرام؛ «موارات» هم یعنی پوشاندن چیزی با قرار دادن آن در پس پرده؛ «سوات» هم جمع «سواة» به معنای عضوی است که آدمی از برهنه کردن و اظهار آن شرم دارد(۹۰).

بر اساس این آیه تمام تلاش شیطان در مصاف با آدم و حوا علیهما السلام برای این بود که آنها را خلع لباس کرده و بی آبرو کند. این نکته ایست مهم برای تمام بشر که شیطان و سپاهش هر چه می کنند و ترفندی به کار می بندد از وسوسه های عملی و القاء شبهات علمی همه و همه برای این است که حیثیت اجتماعی او را لکه دار کنند و او را در دنیا و آخرت بی آبرو کنند(۱۰).

بنا بر دستور این آیه هر کس در هر پست و مقام و وظیفه و شغلی که قرار دارد حق ندارد ذره ای از ادای حقوق افرادی که با او طرف حساب هستند بکاهد و در عمل کم بگذارد. استادی که دانشجو دارد؛ کارمندی که ارباب رجوع دارد؛ مغازه داری که مشتری دارد؛ مدیری که کارمند دارد؛ همه و همه باید نسبت به دیگرانی که حقی بر عهده ما دارند نهایت دقت را به خرج دهیم تا مبادا ذره ای از حق آنها شود

در آداب دعا «نعره زدن» نیست

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۵۵- اعراف)

«تضرع» به معنای اظهار ضعف و ذلت است. «خفیه» هم به معنای پنهانی و پوشیده داشتن است(۱۱). این آیه که بیانگر ادب دعاست دستور می دهد که دعا با حالت تضرع و به دور از سر و صدا و فریاد باشد(۱۲). در پایان آیه هم به شکل کنایه، کسانی را که این ادب را رعایت نکنند «المعتدین؛ تجاوززگران از حدود» خوانده که مراد از حد در اینجا حد و ادب دعاست.

در هر کاری که هستید، برای مردم کم نگذارید

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ (۸۵- اعراف)

معنای این فراز این است که «از حقوق مردم چیزی کم نگذارید». هر چند این فراز در بین احکام خرید و فروش و دقت در ترازو و پیمانه است؛ اما پیام آن منحصر در تجارت نشده و تمام روابط اجتماعی و حتی بین الملل را زیر گستره خود می گیرد(۱۳). بنا بر دستور این آیه هر کس در هر پست و مقام و وظیفه و شغلی که قرار دارد حق ندارد ذره ای از ادای حقوق افرادی که با او طرف حساب هستند بکاهد و در عمل کم بگذارد. استادی که دانشجو دارد؛ کارمندی که ارباب رجوع دارد؛ مغازه داری که مشتری دارد؛ مدیری که کارمند دارد؛ همه و همه باید نسبت به دیگرانی که حقی بر عهده ما دارند نهایت دقت را به خرج دهیم تا مبادا ذره ای از حق آنها شود.

پی نوشت ها:

(۱) ر.ک به المیزان ج ۷ ص ۳۳۰

(۲) ر.ک به نمونه ج ۶ ص ۳۴

(۳) المیزان ج ۷ ص ۳۸۷

(۴) همان

(۵) همان ص ۳۸۸

(۶) المیزان ج ۷ ص ۳۹۰

(۷) شیخ صدوق، معانی الأخبار، يك جلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۱ هجری شمس، ص ۲۴۸

(۸) نمونه ج ۶ ص ۷۰-۷۱

(۹) المیزان ج ۸ ص ۳۴

(۱۰) فرازهایی که قرآن، سخن از «خزی؛ بی آبرویی و رسوایی» در دنیا آخرت می گوید می تواند ناظر به همین نکته باشد. مانند آیه ۸۵ سوره بقره و آیه ۲۷ سوره نحل

(۱۱) المیزان ج ۸ ص ۱۵۹

(۱۲) المیزان وجه دیگری را هم ذکر می کند ولی نظر برگزیده حضرت آیت الله جوادی همین نظر است که ذکر شد.

(۱۳) نظر حضرت آیت الله جوادی آملی که در جلسات تفسیرشان بیان کرده اند.

منبع: هیات رزمندگان اسلام

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خاوران

<http://vufarhangi.whc.ir/>